

تصحیح کرده است و گفته است که بجز قوت است و کما به پیش مردم همی قوت است  
 چنانکه نزل بکم که نزل بر ابراهیم نزل است و کما به پیش همی نزل نازل نهند و اطمینان  
 بر آن یعنی درستی بود و در دست از عرابین غیبی خواران رسول خدا قوت  
 استحقاق الله اسبق بوصول قطع همزه با رضاء یا کجور آن آری عید از دور المعقول خود را  
 و نازل کن با ما ان را و بهایم خود را از حیوانات و خشرات و از نهوشان کنی محبت  
 خود را بر جمع موجودات کوشش است نباتات و جمادات را نیز از آن است  
 بهر قول حتی تعالی و هو الله من قول العنیت من بعد انظر او غیره و گفته ای از کوشش  
 من السهل و الجبل و النبات و الحیران ذکره البیضا و در نزل کن زمین و شهر  
 مرده خود را در آن خیز تو نمایی تا مرده خود را که مرده است و در کوشش از نزل سال  
 و زمین کن آن خشت کشته را بر سر میانی تو نازده کویج الارض بعد بود است  
 قول الله نزل نوح و جمیع البعوضه و مرده است که مرده من جذب به خود نزل  
 رسول خدا رفت استحقاق الله نزل بقطع همزه با رضاء یا نازل کن و فرود در زمین  
 زمین و آرزوی آن زمین را که سرور خود در بسیرهای تو و کلام نازده آن است  
 بقول حتی تعالی انما جسدنا علی الارض زینة اما لنبیهم اهل حق مخلص و کون ان نزل  
 ای هرگز را که است کون و آرام نفوس اسن سیرین است بان هر الله صاحت  
 جبا کن و اعینت ارضان و امنت و در بنیای معط الجیارات من اما کما  
 منزل الرحمن من عبادنا و محرمات اللبر کات علی الله ما لعنت المعینت  
 المستغفر القفار و قسطنطنیه الخانات من خلق من انفس و انفس من عوام  
 خطا با تا الله فارسل السماء من ان و ارضی بالعبث طار کت علی محرمات  
 حیث یقفن و یعود علینا عینا عما طافنا عبقا محمدا علی غدا خصیبا

مکی

مخرج النبات صحیح و کون کاشیدن از بار علم فتح تعالی کون  
 ضاع ای باز ضاعت در اصل ضحیت بوده از بار ضاعت که بر بار است  
 نه ضاعید یا بر بار انفاق اقبل الفت شد با انفاق کونین انقاد پس ناقص باقی است  
 و صاحب موسی در اجود ذکر کرده است و گفته ضاعت البلاد حلت و در نزل  
 گفته ضاعاه اناه ذالضحوة انهم حووه نیم جانشت صحیح با بضم و انهم جاشکاه نیز  
 و در نزل من انشأ قال انهم حووه و من ذکر قال انه اسم فعل کرم و در نزل غیر  
 مستحسن مثل سحر تعالی بقیة نوحی الامم من اذ اردت محی بویکت ثم یضاهی بالیوم  
 انهم جاشکاه نزل ای هم یقیم ایمان یفتحقین کونین از غرق از بار ضحیت  
 با بضم فاشکاه و در نهایت است با مت ای عطفت معط الحرات نجیب است  
 مجذبت حرت نرا برین تقدیر است معط الحرات و معید برین است است المستغفر  
 بالعبث سعلین است جمیع بر سبیل تنازع المستغفر بصیغه اسم معقول است  
 جمیع حاشه است بینه بریم و حاشه الا لاف ن خاصه تعالی کیف الی ندره و العائنه  
 ای الی جهات من ذلونها و معودا یخفی است غیر عوام خطا با تا و در نزل من است الا  
 فلان انکم کلمه و الحیم کلام القوت کلم کلم فارسل السماء علینا ضاحه و در نزل  
 سطا بوق کلام خدا برسل السماء علیکم صفا و در نزل برادر نزل انضفا  
 از نزل ان ساطع که مستور است در ان ندره و امنت و اصل صفا و در نزل انضفا  
 معنی بویسته داشتن و ساطعوا صمدوا الصوم و صوم الیهال و در نزل است ارضی  
 الیهال طین بفتحین باران تمام اذ الیهال بطین و اصل الیهال بفتحین بفتح  
 و لم من ذکره و الیهال العزیز العظیم و مولانا علی قاری گفته قلت کون افقه  
 قول الیهال العزیز کعبه ما شرب بفتح و عقبه ساه و کلام الیهال بضم و ساطعوا

۱۸۸